

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ جون ۲۰۱۹

## مکت کوتاهی بر خزعبلات "لطیف پدram"!!

۳

دوشنبه- ۰۳ سرطان ۱۳۹۸ - کابل: یکی از نکات دیگری که ماهیت وابسته و استخبارات "لطیف پدram" را کاملاً آشکار نمود، موضعگیری اش در قبال خط فرضی دیورند بود. بحث در مورد خط دیورند و شناسائی آن را از جانب "لطیف پدram" پرسشگر آغاز نمود، "پدram" هم گف تمام آنچه را که در ذهن داشت و یا در خفا نشخوار می نمود. این قسمت یادداشت اندکی در همین مورد مکت می نمائیم:

"پدram" که در قسمت اعظم مصاحبه سخت تلاش می نمود تا خود را یک انسان دموکرات و کسی معرفی دارد که به آرای مردم احترام عملی دارد و یکی از دلایل مخالفتش را با دولت دست نشانده، عدم اعتنای دولت به حقوق حقه مردم و آرای آنها معرفی می نمود، در پاسخ به سؤال نظر شما در مورد خط دیورند چیست، گفت:

"برای من مسأله دیورند یک مسأله خاتمه یافته است" در پاسخ به سؤال پرسشگر که آیا می باید جهت حل آن رفراندوم و نظرخواهی همگانی صورت گیرد، افزود: "گفتم برای من مسأله دیورند یک مسأله خاتمه یافته است و نیاز به نظرخواهی و رفراندوم ندارد. هرگاه دولت افغانستان با قضیه مخالفتی دارد، می تواند آن را از راه قوانین بین الدول تعقیب نماید."

هموطنان گرامی!

مواضعی را که "پدram" در بحث خود اتخاذ می نماید، از نظر من بیانگر چند نکته است:

۱- "پدram" و پدram ها که در فضاء و جو ضد دموکراتیک حاکم در افغانستان خود را دموکرات معرفی داشته، در پناه دموکراسی خواهی، عمق وابستگی های استخباراتی شان را به نهاد های امنیتی-استخباراتی دشمنان افغانستان پنهان می دارند، فقط تا زمانی می توانند دموکرات باقی بمانند و به آرای مردم ارزش و احترام قایل باشند که مواضع مردم مخالف نظرات خودشان نیست و منافع آنها را تهدید نمی کند. آنها به محض این که احساس نمایند که از دموکراسی و فضای دموکراتیک چیزی به آنها نمی رسد، با یک "ملاق سیاسی" بر دموکراسی و دموکراتیسم لعنت فرستاده اراده فردی خودشان را برتر و بالاتر از آرای تمام مردم افغانستان و چه بسا جهان معرفی می دارند.

چنانچه پدram در طرح مسأله رفراندوم در باب حل خط دیورند عین برخورد و موضع را اتخاذ نمود. چه نامبرده علی رغم درک این نکته که مسأله دیورند یکی از مهمترین مسایل در مناسبات خارجی افغانستان بود و از همان آغاز

امضای این قرار داد ننگین به وسیله امیر عبدالرحمان خان در ۱۸۸۳ الی اکنون برای یک لحظه هم مورد تأیید همگانی در افغانستان و پاکستان قرار نداشته است، چون می داند که نتیجه هر رفتاردومی خلاف نظر افرادی از قماش وی، مخالفت همگانی با این پدیده ننگین خواهد بود، لذا اراده تجزیه طلبانه و انقیاد طلبانه خود را بر تر از اراده تمام خلق افغانستان، بسیار صریح و آشکار اعلام دارد که برای شناختن خطر دیورند به هیچ چیزی نیاز نیست و می باید به رسمیت شناخته شود تا پاکستان ما را آرام بگذارد.

اتخاذ چنین یک موضعی نه تنها خیانت بر تمامیت ارضی افغانستان و به رسمیت شناختن و دنباله روی از معاهده ننگین دیورند و صحه گذاشتن بر جنایات و خیانت‌های امیر عبدالرحمان خان است، بلکه در عمل با گرفتن حق رفتاردوم عمومی از مردم افغانستان، اوج ضدیت با دموکراسی و آرای مردم را نیز نشان می دهد.

۲- "پدرام" با پذیرش معاهده دیورند، در واقع برده آسا در پای تئوری "حقانیت زور" سجده می نماید. از دید افرادی چون "پدرام" وقتی یک نیروی غالب، یک منطقه را تصرف نمود و از پس دادن آن اباء ورزید، نیروی ضعیف با پیروی از اصل "حقانیت زور"، می باید آن عمل را پذیرفته دیگر صدایش را بلند نکند به اصطلاح در مقابل واقعیت فاسد و غیر قانونی تمکین نماید.

اگر در مقطع کنونی یکی از معروفترین حامیان این تئوری "دونالد ترمپ" رئیس جمهور امریکاست و آن را در مناسبات اسرائیل و اعراب به خصوص خلقهای فلسطین و سوریه می خواهد تطبیق نماید و بر همان مبنا یک روز "بیت المقدس" را به اسرائیل می بخشد و روز دیگر بلندی های "جولان" را، از لحاظ تاریخی خطی را که پدرام اکنون از آن نمایندگی می نماید، تازه نیست بلکه در تمام دوران حیات شان به اصل "حقانیت زور" سجده برده آسا نموده اند. چنانچه در زمان حاکمیت مزدوران روس اینها گاهی در لباس ستمی ها و زمانی در لباس پروسویتسیم همین تئوری را پذیرفته اند، به همین سان در زمان حاکمیت ربانی - مسعود و قدرت محلی پسران "سید کیان" و اینک امریکا. این که چرا پدرام اینک تلاش دارد تا همزمان با قلاده های، قلاده پاکستان را بر گردنش بیاویزد، بحثی است که در یادداشت فردا بدان پرداخته خواهد شد.

ادامه دارد.